

به نام خدا

سازمان صلیب سرخ در کشور سوئد

این سازمان جزئی از نهضت بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر است و یکی از سازمان های بشر دوستانه در سوئد می باشد. این سازمان در تاریخ ۲۴ مه/مئی سال ۱۸۶۵ تاسیس گردید، و نزدیک ۹۰۰ مقرر پخش شده در سرتاسر سوئد دارد، و بیش از ۳۰،۰۰۰ داوطلب، و چندین وظیفه که در موارد گوناگون به پناهجویان در سوئد کمک می کند (مانند جستجوی بستگان، ارائه مشاوره حقوقی ...) . نیز پشتیبانی لازم را به کسانی که در جنگ شکنجه شده اند و یا آسیب روانی خورده اند را تقدیم می کند، علاوه بر آن برگزاری دوره های آموزشی کمک های اولیه. و ایجاد فرصت برای خریداری کالاهای دست دوم با قیمت های بسیار ارزان، چراکه سازمان صلیب سرخ سوئد دارای بسیاری از مغازه های خصوصی که شناخته شده به نام (second hand) هستند که در فروش کالای ارزان فعالیت میکنند و این مغازه ها در سراسر سوئد توزیع شده اند.

صلیب سرخ سوئدی نه تنها در سطح محلی بلکه در سطح بین المللی نیز فعالیت می کند آن با سایر انجمن های ملی صلیب سرخ و فدراسیون بین المللی انجمن ها صلیب سرخ و هلال احمر (IFRC) و کمیته بین المللی صلیب سرخ (ICRC) ، که با آنها در همه موارد اضطراری مانند بلایای طبیعی، جنگ ها و اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از بلایای طبیعی همکاری می کند.

کار داوطلبانه در صلیب سرخ

سازمان صلیب سرخ سوئد در کار خود عمدتاً به داوطلبان متکی است. آنها عمود این جنبش هستند و عامل اصلی موفقیت آن در جلوگیری و رفع رنج انسان است. داوطلبان سنگ بنای تمام فعالیت ها هستند، و نه تنها این چرا که کمک به میلیون ها نفر در زمان سختی به دست داوطلبان صورت گرفته است. آنها همچنین از روش های مختلفی برای کمک به تازه واردان استفاده می کنند، آنها دوره های آموزش زبان سوئدی برگزار می کنند، و سعی می کنند به دانش آموزان در تکالیفشان کمک کنند، و علاوه بر آن فعالیت های مختلف اجتماعی که انجام می دهند.

داوطلبان صلیب سرخ تحت دوره های مختلفی آموزش می بینند مانند دوره خود حمایت کردن ، دوره کمک های اولیه و غیره، تا به منظور فراهم کردن دانش و توسعه مهارت خود در موارد گوناگون دخیل باشد.

- آیا شما قبلاً در یک سازمان بشردوستانه در کشور خود داوطلب شده اید؟ آیا در هنگام کمک به دیگران احساس لذت و کارایی داوطلبانه شده اید؟

نمونه هایی از تجارب داوطلب شدن:

محمد حجو، یکی از تازه واردان به سوئد می گویند: من هنگامی که به سوئد آمدم احساس خستگی و بی کاری کردم و درعین حالی که منتظر تصمیم گرفتن اداره مهاجرت برای اقامتم بودم تصمیم به کار گرفتم تا بتوانم در افرای انرژی ها نهفته در من کمک بگیرم بنابراین من میتوانم کارهای بسیاری انجام دهم، پس شتابان با گروهی از جوانانی که با من در خانه های اداره مهاجرت زندگی میکرده اند، ادرس صلیب سرخ منطقه را گرفتیم ناگفته نماند که ما مسلط به زبان سوئدی نبودیم و من با تلاش از زبان انگلیسی

استفاده می کردم تا بتوانم منظور خود را برسانم بلکه صلیب سرخ در شهر "وسبین" درب های خود را بر روی ما کشوده بود و چونکه منطقه ما اعداد بسیاری از پناهجویان دارد فکر کمک به پناهجویان در ما بزوغ کرد.

محمد می گوید: من می دانم که بیشتر پناهجویان جنگ را تجربه کرده اند و احساس می کنم که آنها نیاز به کمک و پشتیبانی دارند، پس بر این مبدا من وارد شدم تا با فعالیت های بسیاری برای کمک به پناهجویان بینجامیم از جمله خرید کاپشن های گرم تا حامی آنها در سرمای زمستان باشد و همچنین وقت بسیاری را صرف کمک به سالمندان در بیمارستانها می گذرانیدیم و از جا نماند که مشارکتهای فراوانی در برگزاری فعالیتهای ترفیهی می کردیم

محمد سخن خود را ادامه می دهد و می گوید: داوطلب شدن در صلیب سرخ به من آموخت که معنای زندگی را احساس کنم و بتوانم از نو شروع کنم و همچنین اعتماد به نفس را در من بالا آورد و برای من مشخص شد که من می توانم از تمام موارد متاح در من برای کمک به دیگران استفاده کنم. و در آن واحد تجارب جدیدی از دوره های که وارد شدم کسب کردم مانند دوره کمک های اولیه به خود و غیره، با اینکه من اکنون کار می کنم ولی هنوز یکی از داوطلبان صلیب سرخ هستم و در فعالیت ها صلیب سرخ مشارکت میکنم و یکی از علاقه مندان به آن می باشم.

اما از تجربه ایمان البش بدانیم او یکی از داوطلبان صلیب سرخ در منطقه فوشهاگا است، او میگوید: در ابتدا فکر نمی کردم که داوطلب بشوم و غرض از رفتن من به صلیب سرخ این بوده که در دوره آموزشی زبان سوئدی språk stöd مشارکت کنم و در عین حال در فعالیت های صلیب سرخ مشارکت می کردم تا به شناخت کار در صلیب سرخ آگاه شدم و دیدم چگونه انسانیت در روبروی من به بالاترین شکل ظاهر شد تا تصمیم به این گرفتم که یکی از داوطلبان این سازمان بشر دوست بشوم

ایمان در ادامه می گوید: کار داوطلبانه من متنوع است من با گروهی از فعالان زن در بسیاری از امور فعالیت می کردم و به ویژه چون من به زبان عربی صحبت می کردم و می توانستم با عرب زبانان تازه وارد ارتباط برقرار کنم این حضور من را در این گروه تقویت می کرد من میتوانستم آن استرسی که در چشمان مادرانی که تازه وارد خاک سوئد شده اند ببینم و منتقل کنم و ایده های را بدهم که در آنها احساس آرامش و امنیت و اعتمادبنفس در جامعه ایجاد بشود

گروه ما تلاش کرد تا فرصت فعالیت های ورزشی برای تمامی کودکان، از طریق برنامه ورزشی کودکانه مهیا شود. به عنوان گروه داوطلب، فعالیت های زیادی برای تازه واردان انجام داده ایم که از طریق این فعالیت ها بتوانیم به آنها احساس راحت بودن و آرامش را برسانیم.

ایمان میگوید: احساس می کنم که صلیب سرخ زیستگاه دوم من است و آن به من پیشتر از آنکه من به آن تقدیم کنم به من تقدیم کرده است آن تمام درب ها را بر روی من گشود تا بتوانم تجربه کسب کنم و روابط گسترده ای را برقرار کنم و به من در یادگیری زبان بسیار کمک کرد و در من اعتماد به نفس ایجاد کرد و به من نشان داد با اینکه تازه وارد هستم قادر به انجام فعالیت های بسیار هستم.

تجارب داوطلبان زیاد و متنوع می باشد و از فرد به فرد دیگری متفاوت است. هر کدام می تواند ضمن منطقه آش و شرایط آش در جامعه فعال باشد، با وجود اختلاف در مناطق و تغییر شرایط می توان فعال بود.

منبع: ALKOMPIS